

بازخوانی مفهوم مکان - زمان در آرمان شهر جهان شناختی اسلام

برای هدایت جریانات فکری شهر معاصر ایرانی

(خاستگاه اندیشه: تأملی بر مکتب اصفهان)

مژده جمشیدی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

نوع مقاله: پژوهشی - ۱-۲۵

چکیده

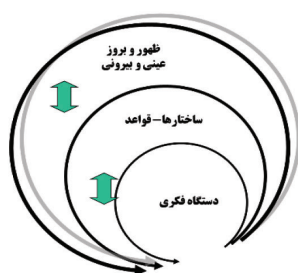
آرمان شهر در تمدن اسلامی برخاسته از آیات قرآن است. آرمان شهرگرایی برای تشکیل جامعه‌ای آرمانی به دنبال تعارض وضع موجود و ایده‌آل‌های بشری شکل می‌گیرد. زمان - مکان به عنوان بستر شکل دهنده به ساختار فرمی و محتوی آرمان شهر نقش مهمی در این زمینه دارد. هدف این پژوهش بازخوانی بنیان‌های اندیشه‌ای در شکل‌گیری فرم و محتوی زمان و مکان در آرمان شهر اسلامی با واداری از اندیشه اجتماعی فضا است که با روش کیفی و با واداری از پارادایم تفسیری و رویکرد بنیادی به دو مفهوم زمان و مکان از طریق استدلال استقرایی پرداخته است تا به تحلیل نوینی از مباحث نظری - فلسفی شهر دست یابد. مباحث نظری منتخب، با تأکید و تأملی بر آرای دوران طلایی از اندیشه جهان اسلام؛ یعنی حکمت متعالیه و مکتب اصفهان؛ و با تأکید بر مولفه فلسفه اجتماعی شهر است. برای تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی از روش تحلیل موضوعی محتوی منابع کلیدی و توصیف مفهوم زمان و مکان و ارتباط با دیگر مفاهیم سازنده آنها استفاده می‌شود. نتایج تحلیل موضوعی حاکی از آن است که بنیان‌های اندیشه در آرمان شهر اسلامی برای کاربست در جریانات اندیشه‌ای شهر معاصر ایرانی ناشی از سه امر قدسی، ساختاری، تجربی (کنشی) است که در ظرف امر فضایی - زمانی شکل می‌گیرد. این بنیان‌ها در خاستگاه ایدئولوژی خاص جامعه پذیرنده، سنت خاصی را مبتنی بر خاستگاه جغرافیایی ترسیم می‌کند که برای کاربست در جامعه معاصر ریشه در سه اصل وحدت (مبتنی بر ساختار)؛ تجلی (مبتنی بر کنش فاعلی) و سلوک (مبتنی بر عقلانیت و نظام بومی) دارد. فضا و زمان باید به عنوان میانجی‌گر در شکل‌دهی به شبکه ارتباطی این سه اصل در یک الگوی چندوجهی به اقتضای شرایط معاصر ایران خصلتی سازشی (ناشی از فرهنگ پرستاری)؛ آستانه‌ای (به دلیل شرایط بینایی جامعه)؛ خودتنظیمی (به واسطه شرایط تهاجمی در تاریخ جغرافیا) و خیال‌انگیزی (به واسطه هنر و خلاقیت) ساختار یابد. نتایج پژوهش با توجه به نقش آینده‌نگاری آرمان شهرها در حل تعارضات مکانی - زمانی و برای کاربست در شهر معاصر ایرانی از ۴ راهبرد برای رهایی از این تناقض میان وضع موجود و آرمان بهره می‌گیرد که این چهار راهبرد عبارتند از: راهبرد اقتضایی همزمانی - همزیستی؛ انطباقی پیوستگی - انسجام؛ تدافعی ریتم - تداوم و تهاجمی نمایشی - خلاقانه.

واژه‌های کلیدی: آرمان شهر، حکمت متعالیه، مکان - زمان، جریانات اندیشه‌ای، شهر معاصر ایرانی.

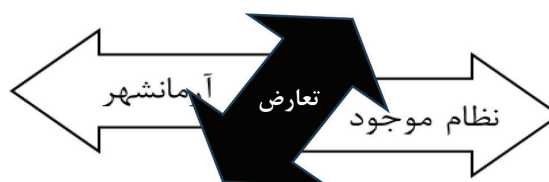
آرمان‌شهر یا ایده شهر آرمانی، ایده «شهر ناکجاآبادی دست نیافتنی» است، حال آنکه دغدغه يك نظام تمدنی، تحقق «شهر مطلوب دست یافتنی» است (آکوچکیان، ۱۳۸۸: ۲)؛ که خاستگاه خویش را در نگاشت فکری منبسط از آرمان‌ها و ارزش‌های خویش جست‌وجو می‌کند. این شهر مطلوب دست‌یافتنی، تحقق آرمان‌شهر در واقعیت بیرونی است. کارل مانهایم (۱۹۲۹) خاستگاه آرمان‌شهر را تعارضی تعریف می‌کند که در ناهماهنگی بنیادین آن با «وضعیت واقعی»، یعنی وضعیتی که خود در آن پدیده آمده است، وجود دارد (روویون، ۱۳۸۵: ۸). مفهوم آرمان‌شهر کارل مانهایم، موضعی انتقادی - اجتماعی را برای آرمان‌شهر و نقش انگیزه برخاسته از محیط جامعه‌شناختی را برای آن در نظر می‌گیرد. از نظر وی تفکر آرمان‌شهری درونی‌ترین ساختار ذهنیت یک گروه را برای درک مفهوم زمان در پرتوی آرمان‌ها، گرایش‌ها و اهداف آنها آشکار می‌کند (گوردین و همکاران، ۲۰۱۱: ۴). هر جامعه‌ای با اندیشه توسعه (درونی و بیرونی)

و برای دستیابی به تعاملی هماهنگ و پویا با جامعه محلی و جهانی نیازمند بازخوانی مدام این تعارضات برای دستیابی به شهر مطلوب خود در دو سطح دست‌نیافتنی (آرمان‌شهر) و دست‌یافتنی (شهر مطلوب از طریق تحقق آرمان‌شهر) است.

جوامع بشری با خاستگاه‌های اندیشه‌ای متفاوت؛ اعم از ایدئولوژی دینی، سوسیالیسم، مترالیسم، لیبرالیسم، دموکراسی، ناسیونالیسم و نظایر آن؛ با توجه به تعارض موجود و شرایط تاریخی - جغرافیایی نمودهای مختلفی از آرمان‌شهر را در تاریخ بشریت رقم زده‌اند. از این رو آرمان‌شهر در جوامع بشری، بیش از آنکه نقشی عامیانه و خیالی (برداشت سنتی) داشته باشد، ابزاری برای متفکران و نظریه‌پردازان جامعه است که به دنبال سناریوهای مختلف احتمالی (آینده ممکن و محتمل) برای تدوین نظام فکری ناشی از تعارض برای ساخت جامعه شهری و شهرهای معاصر هستند؛ که در طول تاریخ در فرآیندی حرکت از آرمان‌شهرهای ذهنی تا آرمان‌شهرهای عینی را رقم زده‌اند.



نمودار شماره ۲: سطوح اندیشه‌ای
مأخذ: نگارنده برگرفته از آکوچکیان (۱۳۸۸)



نمودار شماره ۱: تعارض رکن مهم در اندیشه آرمان‌شهری

تاریخ برای درک شرایط خاص معاصر است، تغییر معنا می‌یابد. در دیدگاه این دوران آرمان‌شهرها هرگز تخیلی و اختیاری نیستند بلکه با بهره‌گیری از منابع فرهنگ محیطی توسط زمان حال ساختار می‌یابند (گوردین و همکاران، ۲۰۱۱: ۴). بر این اساس می‌توان سه سطح اندیشه‌ای (فکری)، ساختاری (نهادی) و کنشی (تجربی - فرهنگی) برای

آنچه می‌توان از بررسی سیر تطور اندیشه آرمان‌شهری (از آغاز تاکنون) دریافت؛ تلاش جوامع برای تحلیل تغییرات و بازخوانی تعارضات در جامعه برای عینیت‌بخشی به آرمان‌های خود است. آرمان‌شهر در دوران معاصر به‌عنوان یک کنش^۱ که توسط بازیگران

محیطی)؛ فرم (بعد ریخت‌شناسی و فضایی)، فضای انسانی (بعد اجتماعی)، فعالیتی (عملکردی)؛ اندیشه‌ای - ارزشی (بعد ادراکی) و مدیریتی - کنترلی (بعد قانونی)، و زمانی^(۲). بر این اساس در نگاه آرمان‌شهری این پژوهش، نظام فکری جامعه با مضمون آرمان و سعادت و به دنبال رخدادهای تعارضی عینی و به دنبال تجسم عینی آرمان‌های خود است (گذر از نگاه خیالی - سنتی به نگاه تحلیلی - انتقادی). در این نگاه مفاهیم آرمان‌شهری از یک دستگاه فکری که از یک واقعیت بیرونی نشأت گرفته (امر پنداشته) و به دنبال آن بسط می‌یابد و سپس ساختاری مبتنی بر قوانین و قواعد در نظام‌های مختلف را (امر ساختاری) شکل می‌دهد؛ در این راستا شبکه‌ای از نظام‌ها مبتنی بر شرایط روز و در نهایت نظام کنشی که به واسطه آنها عملکرد مؤلفه‌ها و ابعاد تمدن بشری شکل می‌گیرد (امر تجربی)، بروز عینی می‌یابد. آنچه در این پیش‌فرض حائز اهمیت است، پذیرش رخداد تعارض به صورت دائمی و در اشکال جدید ناشی از کنش‌ها و لزوم پاسخ خلاقانه به این تعارض در هر سه سطح فضایی (پنداشته، دریافته و زیسته) است.

با تمرکز بر شهر به عنوان یک پدیده مکانی - زمانی می‌توان گفت که مکان - زمان به عنوان ابزاری برای تحقق دستگاه فکری خاص خود در طول تاریخ بوده است. در این نگاه مکان - فضا نقش میانجی میان عناصر سازنده تولید فضا یعنی امر پنداشته و دریافته و زیسته ایفا می‌کند و به عنوان ابزار تحلیل تعارضات شناخته می‌شود (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۲۴). بر این اساس نقش میانجی‌گری مکان - زمان را می‌توان پیش‌فرض دیگری در این پژوهش دانست.

برای تحدید مطالعات بر یک دستگاه فکری خاص (امر پنداشته) در این مقاله بر آموخته‌های اسلام از آرمان‌شهر تأکید می‌شود. دلیل این تحدید را باید نقش

داشتن نگاهی جامع در نظر گرفت تا از این طریق تحقق نظام‌های مختلف شهری در پرتوی اندیشه‌های معاصر آرمان‌شهری محقق شود. این امر از پرتوی بازتعریف مفهوم و عناصر آرمان‌شهر با خاستگاه تمدن شهری در فضا و زمان تجلی عینی می‌یابد.

بر اساس آنچه گفته شد؛ بیان پیش‌فرض‌های هدایت‌گر این پژوهش در تبیین مؤلفه‌ها و بنیان‌های مکان - زمان در مفهوم آرمان‌شهر ضروری به نظر می‌رسد: پیش‌فرض اول (با وامداری از آرای گوردین و همکارانش (۲۰۱۱)) آرمان‌شهر در دوران معاصر فراتر از نقش سنتی خیالی، ابزاری تحلیل - انتقادی جهت نمایش تعارضات و شرایط وضع موجود از یکسو و تمایلات و گرایش‌های معاصر برای تغییرات این تعارضات (تغییرات رادیکالی) است.

پیش‌فرض دوم (با وامداری از آرای جامعه‌شناسی متأخر به ویژه هانری لوفور (۲۰۰۴)) آرمان‌شهرها تجلی از سه حوزه اندیشه تولید فضا؛ فضای پنداشته، دریافته و زیسته؛ است که در بستر متریاپیستی - تاریخی^(۱) است.

پیش‌فرض سوم (با وامداری از اندیشه‌های رویه‌ای و ماهوی نظام شهرسازی در ایران) شهر به عنوان زیستگاهی سیستماتیک، انسان‌ساخت و مبتنی بر ساختار تمدنی است که در ذیل یک دستگاه فکری - ارزشی مشخص، فضاهایی با فعالیت‌های ویژه (با چهار حوزه فضایی سکونت، اشتغال (کار)، فراغت و فضای سبز) و فرهنگی خاص را به مثابه حاصلی از روابط درونی و تجربه زیسته خویش (اعم از ارزشها، آداب و رسوم و نظایر آن) پدید می‌آورد (آکوچکیان، ۱۳۸۸ و فکوهی، ۱۳۸۵). با وامداری از آرای کرمونا و همکارانش؛ که در چند سال اخیر در برخورد با شهر و فضاهای شهری در اندیشه دانشگاهی رواج یافته است؛ می‌توان ۷ نظام عینی و بیرونی برای شهر تصور کرد: زمینه (بعد اکوسیستمی و

جهان‌شناختی اسلامی به‌عنوان محور اصلی اندیشه‌ورزی در سرزمین ایران از آغاز ظهور دین اسلام و توسعه اندیشه‌ای آن در دو قرن آغازین در شرق و غرب شبه جزیره عربستان و سپس دیگر اقصی نقاط جهان دانست. کشورهای پذیرای دین اسلام فرآیندی متفاوت را در پذیرش نظام فکری اسلامی در تدوین ساختار قواعد و به‌دنبال آن کنش از یکسو و ساخت شهر و نظام‌های برخاسته از تمدن شهری از سویی دیگر نسبت به عربستان تجربه می‌کنند. این سطوح در جوامع مهمان دائماً میان مؤلفه‌های جامعه بومی و جامعه اسلامی در حال دیالکتیک و بازخوانی بوده است.

جهان‌شناختی اسلامی به‌عنوان یک دستگاه فکری که خاستگاه خویش را در ایدئولوژی دینی می‌یابد، الگویی متمرکز را در راستای تحقق مؤلفه‌های تمدن شهری از یکسو و نظام شهری از سویی دیگر، پیشنهاد داده و آن را عملیاتی کرده است. در این راستا جامعه آرمانی و شهر آرمانی اسلامی؛ بنیان‌های ساختاری دستگاه اندیشه‌ای خود را برای کنترل و هدایت کنش (و تجربه زیسته) در قالب انواع نظام‌های شهری؛ در جامعه‌ای که در آن وارد شده؛ مجدد ساختار بندی می‌کند. از بین نظام‌های شهری فرم (به‌مثابه نمود عینی فضا) و زمان به‌عنوان مفهوم اساسی شهر، نقش اساسی در تجسم آرمان‌شهر اسلامی ایفا کرده‌اند.

در ایران با خاستگاه باستانی، ورود اسلام تجربه‌ای متفاوت را نشان می‌دهد. در ایران تاریخ اندیشه‌ورزی برای ساخت شهر از یک‌سو و ساخت مکان و زمان زندگی روزمره از سویی دیگر، به دوران باستان بازمی‌گردد و در دوران اسلامی به‌ویژه با آرای متفکرانی چون ابن خلدون، فارابی، سهروردی، ملاصدرا، ابن سینا خواجه نصیر طوسی، نظامی، جامی، سعدی، مولانا توسعه می‌یابد. در دوران مدرن جامعه ایرانی (قاجار

تاکنون) این نگاه همچنان در میان متفکران اسلامی با ایجاد مکتب‌های اندیشه‌ای مختلفی چون مکتب اصفهان، مکتب تهران، مکتب انقلاب اسلامی تداوم می‌یابد؛ که بی‌شک ویژگی‌های خاصی از مکان و زمان در زندگی روزمره را به نمایش می‌گذارد. آگاهی از مدل‌های اندیشه‌ای پیرامون زمان و مکان ایده‌آل برای زندگی روزمره جامعه و بازخوانی دائمی آن متناسب با شرایط اجتماعی (ملی و جهانی) کمک شایانی به شکل‌دهی شهرها که در بستر آن تحقق سعادت و کمال انسانی رقم می‌خورد، دارد.

برای کاربست نتایج این پژوهش برای شهر معاصر ایرانی با خاستگاه اسلامی، پیش‌فرض‌هایی از جریان‌ات اندیشه‌ای دوران معاصر در برخورد با ایدئولوژی اسلامی الزامی است. در دوران معاصر و با تأکید بر مؤلفه‌های دوران پست‌مدرن؛ اعم از کثرت اندیشه‌ورزی، تسلط بی‌قید و شرط انسان بر ابعاد هستی (به‌ویژه طبیعت)، تغییر روش‌های زندگی و سنت‌های فرهنگی و مذهبی (کهون، ۱۴۰۳: ۲-۱۱)؛ پیش از هر چیزی الگوی متمرکز جهان‌شناختی اسلامی به چالش کشیده شده و به‌دنبال آن مفاهیم زمان و مکان و تعابیر برخاسته از آن نظیر زمان-مکان تغییر و دچار تکثر آرا شده است. در این دوران با وامداری از آرای لوفور (۲۰۰۴) می‌توان گفت که زمان و مکان به ابزارهایی در خدمت زندگی روزمره برخاسته از سرمایه‌داری (اقتصاد سیاسی فضا) به‌ویژه در مقیاس محلی بدل شده و بشر به انسان‌گرایی جدید که رنگ و بویی دنیایی برای ایده‌آل‌ها داده؛ گرایش پیدا کرده است. بازتاب این امر دور شدن روزبه‌روز انسان امروزی از هویت‌های فردی- فرهنگی، ملی- جهان‌بینی و زمینه‌ای- بومی بوده است. در این دوران زمان و مکان اموری میانجی‌گر هستند و استفاده از آنها به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به نظام‌های مختلف

- بنیان‌های آرمان‌شهر در جهان‌شناختی اسلامی با تأکید بر جوامع میزبان (ایران) کدام است؟

- شاخص‌های مفهومی زمان و مکان برگرفته از فلسفی حکمی متعالیه پیرامون آرمان‌شهر در ایران کدام است؟
- راهبردهای تحقق مفهوم مکان و زمان برای اندیشه‌ورزی پیرامون آرمان‌شهر معاصر جامعه ایرانی با وامداری از رویکرد انتقادی-اجتماعی کدام است؟

روش پژوهش

چارچوب مقاله با توجه به هدف پژوهش؛ بنیان‌شناسی مکان- زمان در جهان‌شناختی اسلامی و تجلی آن در شهر معاصر ایرانی است که در راستای پارادایم انتقادی شکل می‌گیرد. تلاش برای داشتن موضعی انتقادی برگرفته از محیط اجتماعی وقت (نگاه برگزیده حکمت متعالیه و بازخوانی آن برای دوران معاصر) است. با وامداری از جامعه‌شناسی کارل مانهایم و پس از آن به‌ویژه لوفور این پژوهش در زمره پژوهش‌هایی از جنس خوانش و بازخوانی نوین با هدف تغییر بر اساس محیط اجتماعی برای مفهوم‌سازی جدیدی از آرمان‌شهر قرار می‌گیرد. بر این اساس رویکردی بنیادی- تفسیری دارد؛ تا ضمن مطالعه موردی در زمینه تاریخی و مکان جغرافیای خاص (مکتب متعالیه و ایران) به شناسایی بنیان‌های اندیشه‌ای دو تن از نظریه‌پردازان کلیدی (یعنی میرداماد و ملاصدرا) پردازد و مدلی بازخوانی شده از دیدگاه آنها برای نظریه‌پردازی‌های نوین پیرامون مفهوم مکان- زمان در دوران معاصر پیشنهاد دهد. به بیانی دیگر، با روشن کردن موقعیت‌های ذهنی عاملان تاریخی (یعنی حکمت متعالیه با آرای میرداماد و ملاصدرا) در دوران رنسانس اندیشه اسلامی در ایران به بازخوانی مدلی برای دنیای

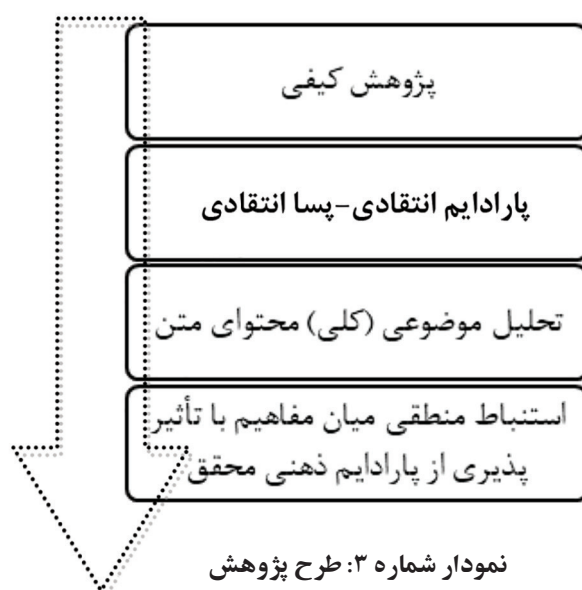
شهری از یک‌سو و کنترل ساختار و کنش از سویی دیگر امری واضح است (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۱۸-۲۷).

در فرهنگ ایرانی مفهوم زمان و مکان را می‌توان پلی میان تحولات فرهنگی (بوم فرهنگ) و تحولات اجتماعی- اقتصادی- سیاسی دانست. این امر زمان- مکان را در اندیشه آرمان‌شهری ایران به کنش‌هایی مادی مرتبط می‌سازد که خاستگاه خویش را از یک‌سو در دستگاه فکری اسلامی و از سویی دیگر انطباق با جامعه ایرانی در تمامی ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فضایی جست‌وجو می‌کند. این پژوهش با محوریت قرار دادن بنیان‌های اصیل اسلامی به دنبال جست‌وجوی ویژگی‌های مکان و زمان متصور در آرمان‌شهر اسلامی در جامعه ایران است که توسط اندیشه‌ورزان ایرانی در یک دوره خاص یعنی مکتب اصفهان؛ به‌عنوان دوران طلایی اندیشه‌ورزی ایرانی؛ شناخته شده است؛ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا به اندیشه‌های میرداماد؛ مؤسسه این مکتب و ملاصدرا به‌عنوان متفکر کلیدی این دوران طلایی تأکید شده است. دلیل انتخاب این دوران را باید دیالوگ منطقی میان نگاه فلسفی و ساختاریابی محیطی دانست که به بهترین شکل در نظام‌های شهری این دوران بروز عینی می‌یابد.

بنیان‌شناسی مفهوم مکان- زمان در جهان‌شناختی اسلامی و کاربست آن برای شهر معاصر ایرانی موضوعی است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود. از آنجایی که در تاریخ شهر ایران، دوره‌های طلایی از اندیشه شهر در دسترس است، در ادامه بر مفهوم مکان- زمان با تأکید بر فلسفه حکمی متعالیه مورد توجه نگارنده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است:

معاصر می‌پردازد. برای توسعه مدل از منطق استقرایی و بازخوانی اندیشه‌ها در پرتوی یک نظریه کلیدی اجتماعی در دوران معاصر یعنی تولید اجتماعی فضا (آرای لوفور) بهره گرفته شده است. از منظر نوع پژوهش، کیفی است که در راستای تحقق هدف پژوهش در زمره تحقیقات کتابخانه‌ای قرار می‌گیرد که برای این منظور به تحلیل محتوی اندیشه نظریه‌پرداز حکمت متعالیه؛ میرداماد و ملاصدرا؛ پرداخته می‌شود. روش انتخابی، تحلیل محتوی تفسیرباور مبتنی بر روش اکتشافی غیرآماري و غیرسیستماتیک و تحلیل موضوعی محتوی کلی اندیشه نظریه‌پردازان انتخابی است. برای ارائه نتایج از مرور و استنباط محتوی کلی و مفهومی از ادبیات نظری پیرامون مکان و زمان در جهان‌شناختی

اسلامی استفاده می‌شود. برای این منظور متن‌های موردنظر به صورت کلی و با هدف ارجاعات مستقیم و غیرمستقیم به دو مفهوم زمان و مکان مورد خوانش و گردآوری قرار گرفتند و مطالب پس از دسته‌بندی با توجه به ساختار تفکر نظریه‌پردازان حکمت متعالیه در مفاهیم اصلی شناسایی و بر اساس محتوی اندیشه‌ای و استنباط منطقی پژوهشگر و تطبیق آن با اصول مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی و تجلی مفهوم زمان و مکان در آن، مدل ارتباطی میان آنها معرفی می‌شود. پیش‌فرض‌های نظریه‌پردازی انتقادی و دیالکتیک سه‌گانه فضایی به تأثیر از هانری لوفور در این میان نقش کلیدی ایفا می‌کند.



نمودار شماره ۳: طرح پژوهش

معرفی متون مورد تحلیل: در این پژوهش برای بنیان‌شناسی مکان و زمان در آرمان‌شهر مکتب اصفهان، کتب حکمت المتعالیه و اسفار (ملاصدرا) و القیسات (میرداماد) به عنوان منابع درجه اول و منابع تفسیری به‌ویژه آثار سیدحسین نصر و هانری کربن (در تفسیر آثار) و نادر اردلان و لاله بختیار (کتاب حس وحدت) و زهرا اهری و محسن حبیبی (مکتب اصفهان در

شهرسازی) به عنوان منابع درجه دوم مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این راستا آرای ۵ نظریه‌پرداز معاصر ایرانی (نقره‌کار (۱۴۰۰)، نقی زاده (۱۳۸۵)، معاریان (۱۳۸۴) فلامکی (۱۳۹۳) و سلطان‌زاده (۱۴۰۰)) در مفاهیم عام معماری و شهرسازی اسلامی و ایران بر اندیشه‌های نگارنده و استخراج مؤلفه‌ها و مفاهیم تأثیرگذار بوده است.

ادبیات نظری (مبانی نظری و پیشینه) نظریه^(۳) آرمان شهر و بسط ابعاد آن در اندیشه مکان - فضا در غرب

فرهنگ لغات معین (۱۳۶۲) آرمان را به معنای آرزو و امل و به بیانی دیگر خواسته‌های روحی‌ای است که دست‌نیافتنی است، تعریف کرده است. اسم صفت آرمان‌شهر، از کتاب توماس مور (۱۵۱۶م)؛ انسان‌گرایی انگلیسی؛ است که در طول قرن‌ها مجموعه‌ای از آثار آرمان‌شهرگرایی را به دنبال داشته است. اندیشه‌ورزی آرمانی خاستگاه خویش را در دو رویکرد کلی جست‌وجو می‌کنند: آرمان‌شهر (به معنای مکانی خیالی که وجود ندارد) و نیکو شهر (به معنای مکانی که به دنبال کمال نظام موجود است و تصویر بهترین شرایط ممکن) (روویون، ۱۳۸۵: ۱۱). در این نگاه آرمان‌شهر در طیفی از اندیشه خیالی تا اندیشه‌هایی که به نقد وجود (اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی - فضایی، زیست‌محیطی)؛ تا اندیشه‌های برای شهرهای ممکن آینده (اعم از شهرهای مجازی و شهرهای فناوری و نظایر آن) اشکال متفاوتی می‌یابد.

نسل سنتی آرمان‌شهرگرایی (با تلاش‌های توماس مور) را باید با محوریت رویکرد سنتی (طرح‌بندی مکانی و جغرافیایی در آینده‌ای رویایی) دانست. این سنت فکری انتزاعی ترسیمی ثابت و ایستا از زمان و مکان را مجسم می‌کند. نسل مدرن آرمان‌شهرگرایی (با تلاش‌های اولیه قرن ۲۰) را باید با محوریت منفی به رویکرد سنتی (طرح‌بندی مکانی و جغرافیایی ناشی از برنامه‌ریزی‌های نه‌چندان خوب گذشته) جست‌وجو کرد، که در ادبیات با عنوان دش‌شهر یا دیستوپیا خوانده می‌شوند. سنت انتقادی - اجتماعی، نسل بعدی آرمان‌شهرگرایی را نمایش می‌دهد که به تعامل پویا میان تفسیر تعارضات موجود و واقعیت طبیعی (شرایط موجود) با انتظارات

آینده می‌پردازد (گوردین و همکاران، ۲۰۱۱: ۱-۵). در این نگاه آرمان‌شهر معمولاً استعاره‌ای فضایی برای ساماندهی شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یک جامعه انسانی (سیستم پویای اجتماعی مبتنی بر واقعیت طبیعی با ظرفیت‌های مشخص و محدود شامل محدودیت‌های جمعیتی - محیطی مکان) بر اساس روش‌های تعامل منطقی برای ساخت آینده‌ای محتمل و قابل تصور (آینده‌نگری) است.

در این نگاه مؤلفه‌های فضایی محیط شهری اعم از فرم (نظیر شکل، اندازه، موقعیت، ویژگی‌های زمین‌شناختی، چشم‌انداز و منظر)، عملکرد (فعالیت‌ها و نحوه استفاده از زمین) و معنای (ارزش‌ها) فضایی (پتانسیل‌ها و سیستم‌های پایدار موجود) به‌عنوان زمینه در ارتباط با آینده محتمل و قابل تصور (آرمان‌ها، انگیزه‌های مدرن و گرایش‌ها) فراتر از مکان و زمان ثابت مطرح می‌شوند. در این موضع انتقادی مکان و زمان با عاملیت انسان دستکاری می‌شود. از این‌رو براساس دیدگاه گوردین و همکارانش (۲۰۱۱) می‌توان مکان - زمان در آرمان‌شهرگرایی اخیر را سازه‌هایی فرهنگی و نه صرفاً سازه فکری دانست.

مکان - فضا در تحلیل آرمان‌شهر؛ به‌عنوان اندیشه کمال انسان (روویون، ۱۳۸۵: ۱۴)؛ تعامل پویا میان سازه فکری (با خاستگاه ایدئولوژیکی که در جوامع دینی می‌تواند متأثر از امر قدسی باشد) و سازه فرهنگی (با خاستگاه اجتماعی - سیاسی) است که در سیستم‌های فلسفی، اجتماعی، سیاسی، ساختار فضایی و طرح‌های معماری و شهرسازی، در هنرهای ادبی، تجسمی و نظایر آن بروز می‌یابد. از این‌رو آرمان‌شهر از یکسو خاستگاه ایدئولوژیک^(۴) دارد و از سویی دیگر برگرفته از محدودیت‌های محیطی، خاستگاهی زمینه‌ای (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) پیدا می‌کنند و در اشکال خلاقانه و شیوه‌های تعاملی با زمان

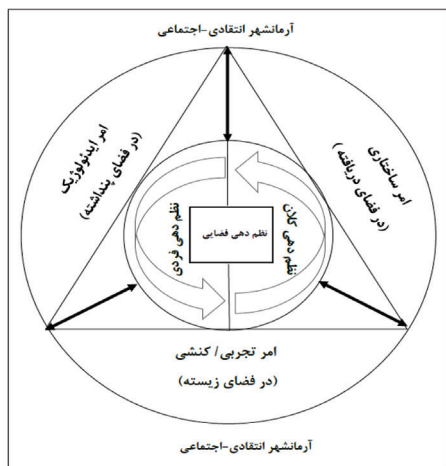
و مکان به شکل دهی، طرح‌بندی و نظم‌دهی محیطی؛ یعنی فرم، عملکرد و معنا؛ شهر و فضاهای مختلف آن در جهت تحقق آینده محتمل می‌پردازد.

در چنین نگاهی آرمان‌شهر از یک مفهوم کلی و جامع دور و به یک مفهوم محلی و جزئی و برخاسته از روزمره؛ آنچه به تعبیر لویتاس (۲۰۱۳) به عنوان آرمان‌شهر روزمره تعبیر می‌شود؛ تبدیل می‌گردد. در این نگاه دیگر رویکردها قطعی و ثابت نیستند؛ بلکه به اقتضای زندگی روزمره در فرآیندی باز، پویا و تکاملی در پرتوی کنش و عمل^۲ مردم محقق می‌شوند (لویتاس، ۲۰۱۳: xiii).

شیوه‌های خلاق نظم‌دهی محیطی براساس رویکرد انتقادی و پساانتقادی و با وامداری از اصول آرمان‌شهر روزمره با وامداری از سه‌گانه‌های نظم فضا و تعمیم مفهوم تولید فضا به نظریه‌پردازی و تصویرسازی مفهوم آرمان‌شهر قابل بررسی است. با وامداری از آرای لوفور (۲۰۰۴) سه سطح نظم برای فضاسازی آرمان‌شهر می‌توان برشمرد، که در برخی آرمان‌شهرها به یک یا دو و در برخی دیگر به همه این نظم‌ها تأکید شده است. این سه‌گانه‌ها عبارتند از: ۱- نظم فردی (نظم ذهنی): ناشی از نحوه عملکرد و فعالیت‌های ذهنی است، که از طریق گزینش مدل ذهنی براساس خاستگاه ایدئولوژیک به دنبال پیاده‌سازی اصول انسانی و مفاهیم ذهنی است. این امر به امر زیسته تعبیر می‌شود. ۲- نظم عمومی (نظم کلان): ناشی از ساختارهای کلان برای شکل‌دهی به کلیت جامعه از طریق نظم عام است. این نظم از طریق گزینش مدل کنترل اجتماعی و ساختارهای مسلط و از طریق قوانین و مقررات تحقق می‌یابد. ۳- نظم فضایی: ناشی از فضا‌مندی دو نظم فردی و نظم عمومی از طریق ویژگی‌های مکانی- زمانی (فرم- عملکرد) است.

با وامداری از آرای لوفور (۲۰۰۴) سه شیوه ساماندهی و طرح‌بندی فضا- زمان (در معنای عام) و مکان- فضا (در معنای خاص) و سه گونه فضا- زمان به شرح ذیل قابل شناسایی است: ۱- فضا- زمان زیسته که ناشی از امر ذهنی است. فضای زیسته بازنمایی از روش‌های زیست یک جامعه در طول تاریخ و به بیانی دیگر سنت آن جامعه است که گاه با فرهنگ برابری می‌کند و معناداری زندگی جمعی را در پی دارد. ۲- فضا- زمان پنداشته که ناشی از امر عمومی و بازنمایی فضا توسط ساختارهای مسلط است. ۳- فضا- زمان دریافته ناشی از امر واقع را در قالب آرایش خاص در ارتباط با نظم فردی (فرهنگ) و عمومی (ساختار) شکل می‌دهد.

آنچه در این فضاها حائز اهمیت است نمود عینی آنها به‌عنوان یک پدیده زمان‌تاریخ است که دیگر فضا را امری ثابت و مشخص در آینده نمی‌بیند؛ بلکه نمایشی از رابطه بین گذشته، حال، آینده است که دائماً در حال تغییر و مفهوم‌سازی متداوم است (با وامداری از آرای گوردین و همکارانش (۲۰۱۱)). در این نگاه مکان- زمان در فرآیند موقتی، بازتابی و گفت‌وگومحور بازتعریف و به اقتضای شرایط فعلی توسط انسان به‌عنوان کنشگر بازتولید می‌شود تا امکاناتی را برای آینده‌ای متحول فراهم کند (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۵) (نمودار شماره ۴).

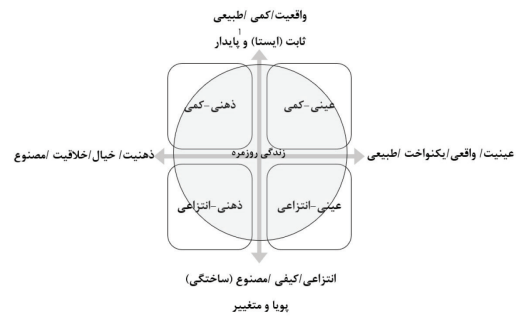


نمودار شماره ۴: پیش فرض نظریات مسلط بر پژوهش

1. Everyday Utopianism
2. Practice

در زمینه آرمان‌شهر ایرانی چهار مرحله برای اندیشه‌ورزی آرمان‌شهر ایرانی قابل شناسایی است: ۱- اندیشه شهریاری آرمان‌شهر (دوران ایران باستان و عصر زرین جامعه ایرانی) که بیشتر مبتنی بر آرمان شهریاری به‌عنوان چارچوبی است که قدرت شهریار آرمانی را نمایش می‌دهد. ۲- اندیشه کلاسیک آرمان‌شهر (ایران باستان و آغاز دوران اسلامی) که تداوم دو رکن اصلی اندیشه ایران باستان (تجلی نور) و اندیشه یونانی (به‌ویژه ارسطو و افلاطون) می‌باشد. ۳- اندیشه توسعه و ثبات آرمان‌شهر دینی: این دوران مبتنی بر دوران اندیشه ترقی‌گرای و توسعه اندیشه شهر با آرای ابن‌خلدون است. در این دوران بنیان‌های جامعه‌شناختی- انسان‌شناختی مبتنی بر تاریخ گسترش می‌یابد. و تداوم آن در اندیشه متفکران حکمت متعالیه و مکتب اصفهان تجلی عینی شهر آرمانی می‌شود. در این دوران تلاش برای بومی کردن ارزش‌ها و امر قدسی تجلی ارزش‌های مقدس و کاربست آن در همه شاخه‌های علوم و هنر است. ۴- اندیشه‌گذار آرمان‌شهر که در فقدان اندیشه منسجم و میان سنت و مدرن و با اوج مکتب تهران ادامه می‌یابد و بیشتر در نقد وضع موجود به دنبال شهری مدرن برای جامعه شهری ایران است^(۵). برای آرمان‌شهر ایرانی بر اساس محتوی نیز دسته‌بندی‌های مختلفی وجود دارد: آرمان‌شهر برین، آرمان‌شهر شهریاری، آرمان‌شهر سیاسی (در قلمروی حکومت اسلامی) (اصیل، ۱۳۹۳). بررسی آثار چاپ شده پیرامون آرمان‌شهر و چارچوب اندیشه‌ورزی پژوهشگر پیرامون داشتن رویکرد تفسیری- انتقادی به مفهوم آرمان‌شهر، اندیشه آرمان‌شهری در ایران از آغاز تا معاصر و مبتنی بر چهار نوع تفکر اسطوره‌ای، فلسفی، تجربی (جامعه‌شناختی- انسان‌شناختی)، دانشی و انتقادی را در برخورد با مکان- زمان نشان می‌دهد (اصیل، ۱۳۹۳؛ محمدی، ۱۳۹۷؛ فکوهی، ۱۳۸۵؛ آکوچکیان، ۱۳۸۸؛ خاتمی، ۱۳۸۰).

در این میان، تجلی دو شاخص برای تحلیل فضا- زمان برخاسته از مفهوم آرمان‌شهر روزمره مبتنی بر دو امر واقعی- انتزاعی (طبیعی- مصنوع) و امر عینی- ذهنی در بستر زندگی روزمره است. امر طبیعی مبتنی بر ماهیت حیات طبیعی و محدودیت‌های کمی و مادی همراه است حال آنکه انتزاع (مصنوع)^۱ مرز محدودیت‌ها را شکسته و فراتر از ماده کمی بر ویژگی‌های پویایی متمرکز می‌شود. امر ذهنی مبتنی بر قدرت تفکر و در عالم خیال مبتنی بر خلاقیت متمرکز است و عینیت وجه‌های مشهود و تجسم‌یافته مکان و زمان را نمایش می‌دهد. این دو شاخص در دو محور عمود بر هم یک ماتریس چهاربخشی را شکل می‌دهند (نمودار شماره ۵).



نمودار شماره ۵: ماتریس ویژگی‌های مکان- زمان بر اساس رویکرد انتقادی به آرمان‌شهر

نظریه آرمان‌شهر ایرانی و بسط ابعاد آن در اندیشه مکان- فضا

اندیشه آرمان‌شهر ایرانی با ظهور تمدن و هویت ایرانی آغاز می‌شود؛ که آن را می‌توان همزمان با حکومت مادها دانست. با ظهور اسلام هویت و تمدن نوینی در ایران پایه‌ریزی می‌شود (آکوچکیان، ۱۳۸۸: ۵). اندیشه آرمان‌شهر در اندیشه متفکران ایران را؛ همانند آرمان‌شهر غربی؛ باید در دوران کلاسیک و باستان؛ یعنی ایران باستان) جست‌وجو کرد (محمدی، ۱۳۹۷: ۹؛ گوردین و همکاران، ۲۰۱۱: ۴). براساس مطالعات اصیل (۱۳۹۳)

۱. آنچه گوردین و همکارانش (۲۰۱۱) تحت عنوان آنیما (Anima) و مصنوع (Artifice) از آن یاد می‌کند.

۱- آرمان‌شهر اسطوره‌های (کهن‌الگو): در این آرمان‌شهرها که روایت‌های اصولاً نمادین و قدسی دربارهٔ ایزدان یا موجودات فوق‌انسانی دخیل در رویدادها یا اوضاع خارق‌العاده در زمان‌ها و مکان‌های نامشخص که از زمان عادی و تاریخی وقایع انسان جدا هستند، را ترسیم می‌کند. این آرمان‌شهر در آرزوی امر قدسی ثابت و غیرقابل کنکاش است که به‌دنبال ترسیم نقطهٔ آغازین جهان و انسان و ارتباط بی‌نقص آنها است. از این‌رو فضا و زمان دارای خصیصه‌ای کیفی و ترسیمی از نامکان و نازمان از تخیلی جمعی و فردی است. که در دو شکل آرمان‌شهر شهریاری و فراطبیعی دیده می‌شود.

۲- آرمان‌شهر فلسفی: در این آرمان‌شهر بیش از هر چیزی بر بنیان‌های عقلانیت و جنبه‌های قابل‌بحث و اثبات به جای جنبه‌های عینی شهر تأکید می‌شود. از این‌رو فضا و زمان در چارچوب ویژگی‌هایی که نمود عینی آن ممکن است. نمونه‌ای از این آن، آرمان‌شهر حکومتی است که بر سیاست تأکید دارد.

۳- آرمان‌شهر تجربی: در این آرمان‌شهر بیش از هر چیزی بر بنیان‌های تجربی و روابط انسانی و بنیان‌های جامعه‌شناختی-انسان‌شناختی تأکید دارد. از این‌رو فضا و زمان دارای ویژگی برخاسته از زندگی روزمرهٔ مردم است؛ که خاستگاه خویش را مسائل انسانی می‌یابد.

۴- آرمان‌شهر دانشی: در این آرمان‌شهر بیش از هر چیزی بر علم و دانش برخاسته از آن تأکید می‌شود. از این‌رو بنیان‌های فضا و زمان خصیصه‌ای کمی و سیستماتیک در چارچوب یک سیستم منسجم تحقق می‌یابد.

۵- آرمان‌شهر انتقادی: در این آرمان‌شهر بیش از هر چیزی بر شرایط موجود تأکید دارد. از این‌رو بنیان‌های فضا و زمان خصیصه‌ای کمی- کیفی است که هم

جنبه‌های ذهنی و هم جنبه‌های عینی را شامل می‌شود.

استدلال استقرایی پیرامون آرمان‌شهرها و تلاش برای تحقق عینی آن در تاریخ و تمدن ایران‌شهر نشان می‌دهد که در اندیشهٔ ایده‌آل ایران‌شهر پیش فرض تلاش برای ترسیم روابط میان سه مفهوم انسان‌شناختی (تعریف ابعاد مختلف برای انسان: مادی و معنوی)، شناخت‌شناسی (تبیین آگاهی انسان از طبیعت و جهان‌بینی: تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی) و موقعیت‌شناسی (تبیین نقش، جایگاه و آثار انسان در تاریخ: علم و هنر) در ارتباط با ایدئولوژی است که رکن اصلی خود را در تحقق انسان ایده‌آل که سنت خاصی را طرح‌ریزی می‌کند، جست‌وجو می‌کند.

در اندیشهٔ آرمان‌شهر ایرانی باید سنت را به‌عنوان نیرویی درون‌زا که مبتنی بر دو ساختار موازی و سلسله‌مراتبی، جوامع و باورها و فرهنگ‌های سنتی را شکل می‌دهد، تفسیر نمود. یکی ساختار کمی که در آن مراتب مادی با مکان، زمان و کمیت محدود می‌شود (بورکهارت، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۳)؛ و از این طریق قابل فهم، ادراک و تجربهٔ انسانی می‌شود (عالم طبیعت و محسوسات و ادراک)؛ و دیگری ساختار کیفی که مراتب غیرمادی (عالم خیال، آگاهی، روح، الهامات و حقایق) است که در قالب زمان و مکان مادی و قابل احساس نمی‌گنجد. بر این اساس در جهان‌شناختی اسلامی دو نوع فرآیند خطی و غیرخطی برای زمان و مکان قابل شناسایی است، که در تمامی حیطه‌های زندگی فردی و اجتماعی روزمرهٔ افراد آشیانه کرده است (گوردین و همکاران، ۲۰۱۱). فرآیند خطی با تأکید بر ابعاد محسوسات و عینی و کمی و فرآیند غیرخطی (چرخه‌ای) با تأکید بر ادراکات و تجربه‌های انسانی محقق می‌گردد.

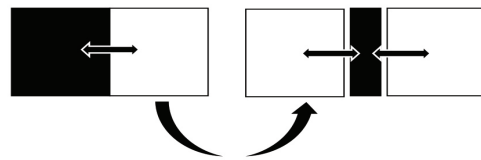
سنت در آرمان شهر ایرانی پس از ورود اسلام و عناصر سازنده آن

شهرهای اسلامی - ایرانی در معنای عینی آن و آرمان شهر در معنای ذهنی آن همواره به شکلی خاص نمودی از سنت نمادین با ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی بوده است که مبتنی بر جهان بینی‌های نقلی و علمی شکل گرفته‌اند (حسینی، رضایی و بندآباد، ۱۴۰۳: ۸۴). افزون بر این همانگونه که بررسی شد، آرمان شهر (در معنای عام) و آرمان شهر ایرانی (در معنای خاص) برگرفته از ایدئولوژی خاص برای داشتن زندگی به شیوه‌ای دیگر است. در این میان فرهنگ و اصول سنت؛ به معنای باورها و لنگرگاه‌های اندیشه‌ای که در طول تاریخ در یک جامعه تجربه و شکل گرفته است؛ نقطه آغازین جامعه برای داشتن آرمان و نیرو محرکه برای نیل به سعادت و کمال بشری در زندگی است که در آرمان شهر بروز عینی می‌یابد. در جوامعی که خاستگاه خویش را در اصول سنت جست‌وجو می‌کند تمایز میان آنچه مقدس و نامقدس نامیده می‌شود، میانجی میان زندگی مادی و معنوی قلمداد می‌شود (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۳-۵)؛ و این امر نقش مهمی در اندیشه‌ورزی آن جوامع دارد. اندیشه‌ورزی پیرامون سنت و در جوامع سنتی و امداار محتواها و رمزهایی است که برای محسوس کردن ساختار لایه‌لایه مراتب و ساحت‌های گوناگون واقعی که در ساختار (از عالی‌ترین سطح در معنویات و مقدسات به پایین‌ترین سطح در مادیات و نامقدسات) وجود دارد، به کار می‌رود.

اندیشه‌ورزی پیرامون آرمان شهر ایرانی؛ به‌عنوان نمودی از سطح مقدسات که وجهی مادی گرفته است؛ پس از ورود اسلام و آگاهی از فرآیند انطباق با ساختارهای وضع موجود فرهنگ و تمدن ایرانی می‌تواند در آینده ساختار اندیشه ایرانی کارگشا باشد. از این‌رو فرآیند ورود اسلام به ایران و شناسایی عناصر

مهم در این زمینه نقش مهمی در تداوم اسلام در اقلیم‌های متفاوتی و با جهان‌بینی‌های متفاوت وارد می‌شود و متناسب با خاستگاه ایدئولوژی - جهان‌بینی و بومی - اقلیمی فرهنگ مادی خاصی را شکل می‌دهد. این امر در دو بخش قدسی و غیرقدسی قابل تقسیم است. امر قدسی کاملاً مبتنی بر مناسک و امر غیرقدسی مبتنی بر خاستگاه زمینه‌ای و از منظر مختلف کارکردی، زیباشناختی و نظایر آن است (صبری و اعوانی، ۱۳۹۸: ۱۲۵). امروزه با توجه به اسناد اسلامی گسترده، که قابل دسترس است، امر قدسی در دو ساحت ظاهری مربوط به قانون الهی (شریعت و رفتار آدمی) و باطنی (طریقت و اصول اخلاقی آدمی) قابل دسترس است که در این بین جنبه‌های عرفانی و باطنی اسلام است که بر اصول شکل‌دهنده به اندیشه است (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۳). درهم‌تنیدگی امر قدسی و امر غیرقدسی در جهان‌بینی اسلامی در بوم - اقلیم‌های مختلف، مجموعه‌ای از آموزه‌هایی را به‌صورت شفاهی، نوشتاری و تصویری که قابلیت انتقال دارد را شکل می‌دهد. این مجموعه از اصول و ضوابط جهان‌شناختی و معنوی گرفته تا کشف علوم مختلف؛ تا ساخت اجتماعی و موازین رفتاری؛ تا ساخت کالبدی - فضایی و اصول محیط انسان‌ساخت؛ تا ساخت سیاسی و مدیریتی؛ تا تجلی خلاقیت و هنر را شامل می‌شود. الدملو (۱۳۸۹) بهترین تعبیر برای این مجموعه را سنت می‌داند. سنت به معنای حقایق دارای خاستگاه قدسی و منشاء و حیانی است که سرچشمه‌اش از قلمروی معنوی، از خدا، و به زبان مابداطبیعه از حقیقتی غایی است که در هر تمدن دینی، تاریخی، جزییات و نحوه انتقال و ویژه‌ای دارد (نصر، ۱۳۸۵: ۲۴۵-۲۴۶). این مجموعه از اصول را امری فراشخص است که در قالب اساطیر، مناسک، نمادها، شمایل، آداب و مظاهر فرهنگی؛

به بیانی دیگر امری ظاهری؛ انتقال‌دهنده چگونگی ارتباط امر قدسی و غیر قدسی است (نصر، ۱۳۹۳). بر این اساس در سنت دو عامل وجود دارد: عامل اول: حقایق منشعب شده از نظامی متعالی؛ عامل دوم: پیوستگی سنت و اعمال اصول الهی به واسطه انتقال در طول سده‌ها در چارچوب تمدن خاص (نصر، ۱۳۸۵: ۲۵۸-۲۶۶). براساس آن هر جامعه‌ای دو گونه سنت (سنت دینی؛ سنت تمدن خاص) قابل شناسایی است که کل فرهنگ را تحت تأثیر قرار می‌دهد و علوم، صنایع، محیط ساخت، زندگی روزمره و امور عادی جامعه را شکل می‌دهد و در یک رابطه سه سویه سنت نوینی را پایه‌ریزی می‌کند (نمودار شماره ۶).



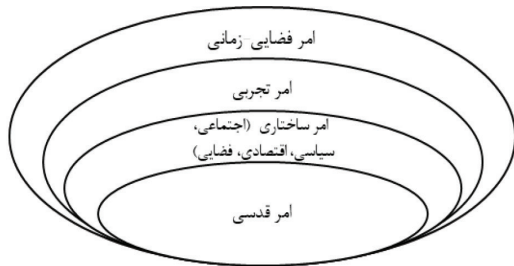
نمودار شماره ۶: رویکرد سه‌سویه اسلام در ایران

با پذیرش این نگاه و همچنین باور به این نکته که نه تنها سنت به معنای دین است بلکه دین در دل آن قرار دارد و از دل آن قوانین سنتی آشکار می‌شود (نصر، ۱۳۸۵: ۲۵۹). می‌توان دو نوع سنت را بازشناسایی کرد: سنت دینی و سنت روزمره؛ که سنت در هر دو شکل آن سراسر زندگی روزمره را در شرایط گوناگون دربرمی‌گیرد. از این‌رو نمی‌توان سنت را تنها امر قدسی دانست و آن را از قوانین زندگی روزمره جدا دانست. از این‌رو سنت مجموعه امر قدسی و قوانین زندگی روزمره (اعم از اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) را شامل می‌شود که تابع شرایط مکانی و زمانی (جغرافیای فضایی) است و امر تجربی در هر دوره را شکل می‌دهد.

همان‌گونه که گفته شد، با تجلی پدیده تمدن اسلامی به‌عنوان تألیفی جدید از تمدن‌های پیش از اسلام در قلمروهای مکانی

و زمانی که فاتحان عرب به آنها دست می‌یابند (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۴۹)، تمدن‌های محلی خاصی شکل جدیدی از بومی‌سازی شده اسلام تجربه می‌کنند. در این جوامع بومی‌سازی در چهار سطح یا امر یا واقع که عناصر اصلی تشکیل‌دهنده سنت هستند، تجلی می‌یابد: امر قدسی، امر ساختاری، امر تجربی و امر فضایی. بومی‌سازی امر قدسی و بازخوانی آن در تطبیق با ساختارهای جامعه میزبان به سازمان‌یافتگی ساختار جامعه (امر ساختاری) به‌ویژه در شهر یا مدینه که نماد عینی و مکانی و فضایی تمدن‌سازی است، می‌انجامد. این ساختار در تجربه شهروندان (امر زیسته) در فضا و زمان و شکل‌گیری فضاهای نوین (امر فضایی) قابل بازشناسی است.

در یک جمع‌بندی این ۴ امر، ۴ گونه سنت را نشان می‌دهند: سنت الهی (قوانین طبیعی و تکوینی)، سنت تشریحی (قوانین اجتماعی، ساختارهای سیاسی)، سنت زیستی (رفتارهای مردمی، فرهنگ) و سنت مکانی و زمانی (نمودار شماره ۷).



نمودار شماره ۷: چهار امر سنت

مکتب و سنت الهی اصفهان و بازخوانی ارکان زمان و مکان

با به حکومت رسیدن سلسله صفوی در ابتدای قرن ۱۰ هجری، برای اولین بار نیروهای جزم‌اندیش متشروع در محیط عقلانی اسلام به فعالیت‌های سیاسی و تشکیل حکومت مبادرت کردند (نصر،

۱۳۹۳: ۱۱۹). مکتب شیعه به‌عنوان شالوده عقیدتی، خاستگاه شکل‌گیری دولت مستقل ملی تحت‌عنوان صفویه می‌شود. با انتقال پایتخت از تبریز به قزوین و سپس استقرار پایتخت جدید در اصفهان، زمینه مساعدی برای تأسیس مکتب الهی اصفهان توسط میرداماد فراهم می‌شود؛ و ایران به یک حکومت افسانه‌ای بدل می‌شود و یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌ها و فرهنگ‌های غنی خویش را تجربه می‌کند. در این دوران ایران، مرکز تمدن جهانی می‌شود که با بازگشت به فلسفه پیش از اسلام، نمودی از دوران پیش از اسلام می‌شود. ریشه‌های صوفی‌گری در سنت عرفانی و شیعه‌گری از یک سو و فلسفه با ارکان عقلانی از سویی دیگر به تعریف امر قدسی مبتنی بر چهار رکن حکومت‌گری، تشیع، عرفان و عقل منجر می‌شود. این امر در حکمت متعالیه حیاتی مجدد می‌یابد. در این حکمت طریقت برخاسته از شیعه (فقه‌ها) و عرفان (صوفیان) و عقلانیت (فیلسوفان) به امری واحد بدل می‌شود.

واژه مکتب اصفهان برای گروه‌بندی مجموعه‌ای از اندیشمندان آموزه فلسفی خاص، برای اولین بار توسط هانری کربن؛ اسلام‌شناس فرانسوی؛ استفاده شد. این واژه برای سنت اندیشه‌ای متفکرانی است که در عصر صفویه ظاهر شدند (اهری، ۱۳۸۵: ۲۵). این سنت اندیشه‌ای توسط میرداماد پایه‌گذاری و با آرای ملاصدرا به اوج می‌رسد و به‌صورت حکمت متعالیه شناخته می‌شود (نصر، ۱۳۹۳: ۱۵۷). آموزه‌های مکتب الهی اصفهان در یک دستگاه فکری نظام‌یافته به اتحاد سه مفهوم عرفان، فلسفه و دین می‌پردازد (اهری، ۱۳۸۵: ۲۶).

مکتب الهی اصفهان به بازتعریفی از ارکان سنت می‌پردازد. امر قدسی در مکتب اصفهان با واداری از اصل توحید و وحدانیت در چهار خاستگاه ارزشی فرمانروایی، مذهب، عقل و شهود بسط می‌یابد. همچنین امر

ساختاری در مکتب اصفهان مبتنی بر ساختار دیوان‌سالاری نوین آمیخته از ساختار رده‌بندی صوفیان و ساختار سنتی پادشاهی است (خادمی‌پور و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۲۳). ساختاری که در ۴ سطح سلطنت، امرا، سادات و علما، و عامه مردم جامعه هر می را تعریف می‌کند (نصرآبادی، ۱۳۸۳: ۵۱). ق به نقل از علیزاده مقدم، ۱۳۹۸: ۱۳۹). این ساختار اگرچه هر می است ولی به‌صورت افقی روابط نژادی، قومیتی و مذهبی را شکل می‌دهد. امر زیسته و تجربی نیز به این واسطه با تأکید بر رابطه مردم با مردم در زندگی روزمره، رابطه مردم با زیست جهان مادی (در اشکال گوناگون شیوه و سبک زندگی) و رابطه مردم با زیست جهان معنوی (در اشکال اعتقادات و رفتارهای دینی مردم) هر می شکل است که پیرامون واژه دولت که در آغاز مفهومی مجرد به‌معنای برکت و سعادت دارد ولی در ابتدای قرن یازدهم در مفهوم مشخص‌کشور و انعکاسی از برداشت از فرمانروا مطرح است، بازخوانی می‌شود. در ایران شاه‌جزیی از زندگی روزمره مردم عامه به حساب می‌آمد و دسترسی به فرمانروا برای مردم برخلاف امپراتوری‌های دیگر امری ممکن به حساب می‌آمد (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۷۶). بررسی مطالعات تاریخی (نظیر بنانی (۱۳۹۰، ۱۹۶۷)؛ سیوری (۱۳۷۲، ۱۹۸۰)) و سفرنامه‌های (آدام اولناریوس (۱۷۲۷، ۱۳۸۵)؛ مالکوم (۱۸۱۵)؛ تاوانیه (۱۶۸۷، ۱۳۶۳)) نشان از فضیلت‌سالاری به جای اشراف‌سالاری در شکل‌دهی به ساختار اجتماعی دانست. اگرچه عناصر قدرتمند اشراف‌سالار هم بودند اما امکان وجود آلیگارشسی کمتر است. در شکل‌دهی به نیروی اجتماعی ایران صفویه به وجود سه نیروی ترک، ایرانی و تاجیک (گرجی، ارمنی) اشاره کرد. از این‌رو زندگی روزمره (اعم از امر قدسی، ساختاری، کنشی (تجربی) و فضایی) مبتنی بر تلاقی خاستگاه این سه نیرو اجتماعی (یعنی ایرانی، قومیتی و بدعت) و سازش ارزش‌های ایرانی و قومی و

تلاش برای تحقق خصلتی بینابینی و آستانه‌ای به تعادل می‌رسد.

در این دوران ارزش‌های ایرانی، اسلامی در بدعت فضایی و به‌دنبال آن زمانی از سه مفهوم کلیدی وجود واجد (وحدت وجود)، تجلی مرتبه‌ای (سلسله مراتب) و نور و دو مفهوم فرعی خیال و قدر و هندسه نشأت می‌گیرد؛ که خاستگاه خویش را در روش تفکر متفکران فلسفی و فقه‌های این دوران به‌ویژه آرای سهروردی، ابن سینا، میرداماد و ملاصدرا جست‌وجو می‌کند. با وامداری از آرای میرداماد و سپس ملاصدرا در سه حوزه خیال، تجلی و وجود که خاستگاهی ذومراتب دارد (نصر، ۱۳۹۳: ۱۴۲). در این دیدگاه [فضا] و زمان با سه مرتبه زمان، دهر و سرمد مراتبی هستند که مطرح می‌شوند. میرداماد (۱۳۶۷: ۱۲) این سه مفهوم را به معنای عام اینگونه تعبیر می‌کند: مرتبه زمانی نسبت متغییر به متغییر و در مرتبه دهری نسبت متغییر به ثابت و در مرتبه سرمدی نسبت ثابت به ثابت مطرح می‌شود.

با تعمیم این تعاریف عام؛ که برخاسته از خردگرایی این دوران است؛ به فضا و زمان و تعبیر نمادگونه، سمبلیسم و خیالی؛ که برخاسته از اندیشه اندامین و ارگانیک این دوران است؛ می‌توان به تعبیری جدید از فضا و زمان در مکتب اصفهان دست یافت. عناصر و ساختارهای عینی فضا و زمان؛ شهر (شار) و معماری؛ بازسازی و ابداع مجدد می‌یابد. در این دوران دولت قاهر مرکزی و استیلای سیاسی - عقیدتی به مادیت بخشیدن به مفاهیم ساختاری (امر ساختاری) از طریق شهر به‌عنوان نماد، تجسم و تجسد کالبدی - فضایی - [زمانی] از آن امر ساختاری می‌پردازد. در حقیقت مکتب اصفهان، تحقق آرمان - شهر دولت صفوی است که به علت ریشه داشتن در دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمان خویش پا به عرصه وجود می‌گذارد (حبیبی، ۱۳۸۶:

۹۴). آرمان‌شهر مکتب صفوی نماد و تجلی از شهر آرمان در ۴ شاخه اصلی شهر - دین، شهر - سیاست، شهر - سنت و شهر - منطقه است که مجدداً در این دوران بازخوانی و با ابداعات نوینی بازتولید می‌شود. آنچه در این میان باید مورد توجه قرار گیرد نفوذ قدرت در فضا است که خود را در امر فضا و مکان به شکل عینی نشان می‌دهد^(۶).

همانگونه که پیش‌تر بیان شد، سه بنیان اصلی برخاسته از جهان‌شناختی اسلام در آرمان‌شهر ایرانی را می‌توان: وحدت (ناشی از اندیشه وحدانیت و مبتنی بر ساختار)، تجلی^(۷) (ناشی از اندیشه جانشینی و انسانیت و مبتنی بر کنش فعال)، سلوک بومی (سازش؛ اهلیت ناشی از وطنیت و بومیت و تجلی عقلانیت بومی) دانست که دیگر اصول از این سه منتج می‌شود.

ساختار توحیدی در جهان‌شناختی اسلام به معنای همه‌چیز را از یک دانستن (هر چه از اوست) است (بورکهارت، به نقل از معماریان، ۱۳۸۵: ۴۳۷). ساختار انسانی نیز به معنای پذیرش انسان به‌عنوان مرکز وجودی است که ما انسان‌ها آن را داریم (نصر، ۱۳۸۵). که با حکمت و آگاهی، آزادی و خلاقیت تجلی از ذات الهی است. و سلوک به معنای سازش و پرستاری بوم ایرانی در تطبیق خویش با دیگر بنیان‌هاست^(۸). از این‌رو فضا و زمان ناشی از این نوع ساختار دارای ویژگی ایدئولوژیکی است و نمایشی از ارکان ایدئولوژیکی (بعضاً مبتنی بر مذهب و فقه ناشی از آن) است. از این‌رو دو ویژگی اصلی زمان و فضا در حکمت متعالیه؛ ایدئولوژیکی (داشتن خاستگاه ایدئولوژی) و فقهی بودن آن است. از سویی دیگر فضا و زمان در یک دیالکتیک ساختاری - تجربی به‌واسطه نظام‌های سازنده شهر و فضاها شهری بروز عینی می‌یابد. در تطابق و سازش با مبانی بومی و زمینه‌ای ایران، فضا و زمان

خصلتی زمینه‌ای می‌یابد و متناسب با خاستگاه جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی شکل خاصی می‌یابد. ساختار ایدئولوژیک امر قدسی در قالب سنت نوین طبق آرای بورکهارت (۱۳۸۸) از سه ابزار هندسه (قدر و ریاضیات)، وزن و روشنایی

(نور) برای تولید فضا و زمان استفاده می‌کند (به نقل از معاریان، ۱۳۸۵: ۴۶۵-۴۶۶). از این‌رو فضا و زمان دارای خصلتی منطقی، اندازه‌ای و وضوح می‌یابد (ابعاد عینی فضا و زمان) که به واسطهٔ ویژگی نظم و رویکرد تمثیلی خصلیتی معنادار و استعاره‌ای می‌یابد.

جدول شماره ۱: انواع زمان و فضا برخاسته از حکمت متعالیه در مکتب اصفهان

عوامل	فضا- زمان	خاستگاه	ویژگی‌ها	شاخصه
زمانی	هندسی (قدری)	مکون و مصنوع (مادی)	محدودیت/ کمی/ ثابت/ تقسیم‌پذیر/	خودتنظیمی
دهری	خیالی (موهومی)	مخترع (خیال)	کم- کیفی/ انسی/ متغیر/	آستانه‌ای، هنری
سرمدی	همیشگی	مبدع (تجرد)	عدم محدودیت/ کیفی/ ازلی/ انتزاعی- واقعی/ سیال و ممتد بودن/	سازشی

یافته‌ها و بحث

یافته‌های پژوهش حاضر در چهار بخش قابل بررسی است. در بخش اول به معرفی بنیان اندیشه‌ای و ویژگی‌های تفکر جهان‌شناختی اسلام بر گرفته از مکتب اصفهان (به‌طور عام) پرداخته می‌شود. در بخش دوم چارچوب نظری بنیان مکان- زمان بر اساس این بنیان فکری و حکمت متعالیه و در قالب مفاهیم مرکزی آن و انواع فضا- زمان و اصول مکان- زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش سوم؛ محور راهبردهای این نوع تفکر برای کاربست تحقق آرمان شهر ایرانی بر اساس آموخته‌های حکمت متعالیه برای دوران معاصر ارائه می‌شود.

بنیان تفکر در جهان‌شناختی اسلامی فلسفهٔ حکمی متعالیه

بررسی آرای چاپ شده در عرصهٔ معماری و شهرسازی (نظیر نقره‌کار (۱۴۰۰ و ۱۳۹۴)، نقره‌کار و همکارانش (۱۳۹۷)، سلطان‌زاده (۱۳۶۲)، نقی‌زاده (۱۳۸۵)، اهری (۱۳۸۵)، فلامکی (۱۳۸۳)، هیلند راند (۱۳۸۳)، حبیبی (۱۳۸۶)، توسلی (۱۳۶۹)) از یکسو و بنیان‌شناسی حکمت و تفکر اسلامی مکتب

اصفهان در حوزه‌های فلسفی و کلامی (نظیر کربن (۱۳۸۸) و نصر (۱۳۹۳))، بلخاری قهی (۱۳۸۸)) مهم‌ترین اصول و مفاهیم حکمی در تفکر و اندیشه‌ورزی پیرامون آرمان‌شهر در مکتب اصفهان را می‌توان به شرح ذیل برشمرد: - تفکر استحال‌ای: در این مفهوم شهر در محیط پیرامونی خویش و طبیعت بازتعریف می‌شود و خود جزئی از آن به حساب می‌آید و در توافق کامل با طبیعت است. از این‌رو توافق، همزیستی و وحدت مفاهیم بازخوانی شده در این دوران است.

- تفکر دگردیسی: در این مفهوم شهر دائماً در ارتباط با قدیم و جدید، طبیعت و مصنوع با رویکردی هماهنگ و هماوا و احترام‌بازسازی و نوسازی می‌شود. این دگردیسی برای رسیدن به کمال در هر لحظه در حال تحقق است.

- تفکر سیستمی: در این مفهوم شهر در ترکیب با اجزای خود نمایانگر آنها و اجزای نیز در کثرت خویش وحدت را نشان می‌دهند.

- تفکر سلسله‌مراتبی: در این مفهوم هر مقیاسی از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین جز شهر بازتابی از اصل وحدت‌بخش جهان است و عالم صغیر در عناصر فضایی و زمانی بازتابی از عالم

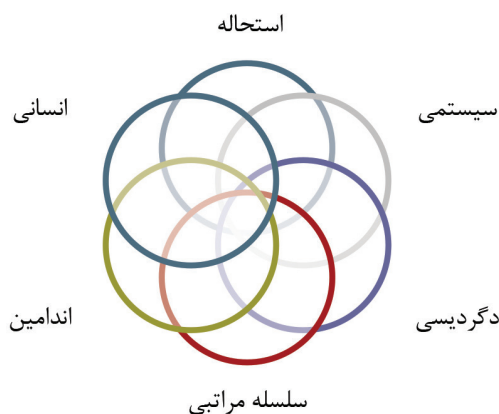
کبیر است. در این تفکر تناظری میان مراتب هستی و مراتب وجودی انسان قابل شناسایی است.

- تفکر مفهومی: در این مفهوم شهر بازتابی معنادار از هستی مطلق در قالب مفاهیم عرفانی است که در دو شکل بیان تشبیهات- شباهت‌ها (با عالم مثل) و تداعی آزاد- خیال‌انگیز (خلاقیت) دیده می‌شود.

- تفکر اندامین: در این مفهوم شهر بر مبنای چهار نظم مادی (آب، خاک، گیاه و هوا) و نظم معنایی (آسمانی، کیهانی) و نظم مقدس شکل می‌گیرد. و به تبعیت از این نظم‌ها محتوی اندامین (ارگانیک) می‌یابد.

- تفکر انسانی: در این تفکر انسان مرکز هستی است. از این‌رو نیازهای انسانی در سه ساحت نیازهای جسمانی (نفس نباتی و حیوانی)، عقلانی (نیازهای روانی) و روحانی (نیازهای معنوی) را تأمین می‌کند و همه این نیازها مبتنی بر سلسله‌مراتب نفس انسانی (نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقه قدسی، کلی الهی) در یک تعادل قرار دارند به این معنا که هر یک از این نیازها زمینه برآورد نیازهای دیگر را تأمین می‌کند.

بر این اساس چهار امر سازنده سنت آرمان‌شهر در مکتب اصفهان نشأت گرفته از تفکر استحاله‌ای، بازبینی و بازخوانی (تغییر مداوم)، سیستمی، سلسله‌مراتبی، اندامین، انسانی است، که دائماً در حال بازخوانی خود از منظر ایدئولوژی و قدرت است (نمودار شماره ۸).



نمودار شماره ۸: ویژگی‌های تفکر و اندیشه‌ورزی برخاسته از حکمت متعالیه

این ویژگی‌های برای جریان تفکر می‌تواند در اتخاذ راهبردهایی برای هدایت جریان‌ات اندیشه‌ای در دوران معاصر کارساز باشند.

ویژگی‌های مکان-فضا در جهان‌شناختی اسلامی فلسفه حکمی متعالیه

در کیهان‌شناسی اسلام، فضا به عنوان یکی از نمادهای هستی، پدیده‌ای ازلی است و همه جا گسترده شده است. در این نگاه جهان مرکب از عالم کبیر (خدا) و عالم صغیر (انسان) که شامل جسم، نفس و روح است؛ که در دو قوس حرکت از ظاهر به باطن و باطن به ظاهر (درون به بیرون و بیرون به درون) قابل شناسایی است (قوس نزولی و قوس صعودی). انسان در فضای ساخته‌شده می‌داند کجاست و جهت برای او با معناست. بر این اساس تحدید فضایی یکی از ویژگی‌های فضای است. محصوریت در این راستا یادآور کیهان و چهار جهات اصلی، یا هشت جهات (چهار جهت اصلی به اضافه چهار دروازه آسمان)، و یا دوازده (بروج دوازده‌گانه) است. از سویی دیگر فضا یک مکانیت معین دارد که به واسطه تحقق نظم (نظم فضایی) پدید می‌آید. فضا دارای خصلتی میان‌کنشی دارد. به این معنا که در سلسله‌مراتبی از هم‌پیوندی فضایی نظام می‌یابد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۱۳)؛ در اسلام، زمان همان فضا است که جنبه‌های فاعلی و انفعالی خود را به میانجی‌گری حرکت آشکار می‌سازد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۱۹). فضا در این دیدگاه برای درک درست خصلتی چندحسی دارد.

یکی دیگر از ویژگی‌های فضا و زمان در اندیشه مکتب اصفهان، وامدار تفاوت در مرزهای فرهنگی به واسطه حضور اسلام در اقلیم‌های متفاوت (گسیل و هجرت به سرزمین‌های متفاوت)، بینابینی و آستانه‌ای بودن است. شایگان (۱۳۸۰: ۱۸۲-۱۸۵) از این مرز تفاوت

مشترک و فراتر از آن خصلتی تخیلی دارد تا از این طریق مناسبات انسان و جهان را القا کند. از این طریق جمال و زیبایی برای آرمان‌شهر مکتب اصفهان تجلی می‌یابد. برخی ویژگی‌های زیبایی که قابل تعمیم به فضا و زمان آرمان‌شهر ایرانی است را می‌توان حسن، خوبی، دلربایی، جذب و انجذاب، شور و شوق، برانگیختگی، التهاب و هیجان، تناسب و توافق، تطابق و ترتیب دانست (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۸).

خیال‌انگیز بودن و تجلی آستانگی خصلتی خودتنظیمی دارد. مرزهای اختلاط به هنگام تلاقی سنت اسلامی با سنت‌های دیگر اعم از ایرانی در دو بعد عینیت و ذهنیت؛ مصنوع و طبیعی، علم و هنر، در راستای تحقق فضا و زمانی متعادل است. برخی از ویژگی‌هایی که در این راستا محقق می‌شود عبارت است از: هماهنگی، سازگاری و تبعیت.

آنچه بیان شد بخشی از ویژگی‌های فضا و زمان در مکتب حکمی متعالیه است. از این میان سه خصلت ایدئولوژیک، دیالکتیکی، زمینه‌ای، منطقی و معنادار (تمثیلی) از ویژگی‌های اولیه و به‌واسطه این‌ها بقیه ویژگی‌ها شکل می‌گیرد، که از این میان سازش (اهلیت)، آستانه‌ای، خودتنظیمی و خیالی (هنری) از آنجا که هم‌سنخی بیشتری با بنیان‌های جهان‌شناختی حکمت متعالیه می‌یابد، نقش کلیدی در تمایز آرمان‌شهر ایرانی در این دوران دارد (نمودار شماره ۹).



نمودار شماره ۹: ویژگی‌های فضا و زمان بر گرفته از فلسفه متعالیه

فرهنگی با تعبیر ذو حیاتین که در مرز آب و خشکی است یاد می‌کند و ویژگی‌های آن را از لحاظ تاریخی متجانس نمی‌داند که مبتنی بر زمان خطی و پیاپی باشد، بلکه ویژگی است که تحت تأثیر آهنگ زمان است. بر این اساس، ویژگی دیگر فضا و زمان متولد می‌شود. فضا و زمان آرمان‌شهر ایرانی به‌واسطه ویژگی بینابینی و آستانه‌ای دارای خصلتی همزیستی بین سنت اسلامی و سنت جامعه ایرانی (هم از منظر منابع مادی و طبیعی و هم ارزش‌های معنوی و ارزشی) است. این امر فضا و زمان مورد توجه جهان‌شناختی اسلام را قانونمند می‌کند. این امر با واژه قدر در قاموس قرآن به معنای قدرت، اندازه، منزلت و تنگ گرفتن برابری می‌کند (بلخاری قهی، ۱۳۹۴: ۳۹۲-۳۹۳). از این‌رو ویژگی سوم فضا و زمان متولد می‌شود. فضا و زمان به‌واسطه ویژگی همزیستی دارای قدر و هندسه است. امام علی بن موسی الرضا (ع) قدر را همان هندسه و مرزبندی می‌داند (به نقل از اصول کافی) و همچنین در لغت قرآنی، قدر به معنای اندازه است و که در آن صورت حساب شده است و خود کلمه خلق، ایجاد به اندازه است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۳). قدر به معنای اندازه است. قدر الهی عبارت است از نسبتی که حدود اشیاء به ذات باری تعالی دارند (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۶۹). بر این اساس فضا و زمان خصلتی هندسی و مرزگونه دارند^(۹). که در نظامی هماهنگ و متناسب تجلی می‌یابد. این خصلت و ویژگی چهارم فضا و زمان را باعث می‌شود. فضا و زمان جهان‌شناختی اسلام برای طرح هویت آرمانی و چشم‌انداز خود برای زیست انسانی خصلتی آفرینش‌گری خلاق دارد (بلخاری قهی، ۱۳۹۴: ۳۹۴؛ اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۷-۱۰).

در جهان‌شناختی اسلام فضا و زمان دارای دو بعد معنا و صورت است. صورت وجوه محسوسات است که توسط حواس پنجگانه و حس مشترک (ادراک انسانی) و خیال قابل تشخیص و شناسایی است. از این‌رو فضا و زمان خصلیتی چندحسی، مبتنی بر حس

- مکان - زمان طبیعی: مکان و زمان‌های ناشی از ادراک و دریافت انسان از محیط طبیعی. این مکان و زمان تابع نظم عناصر طبیعی (خاک، آب، هوا و پوشش گیاهی) است.

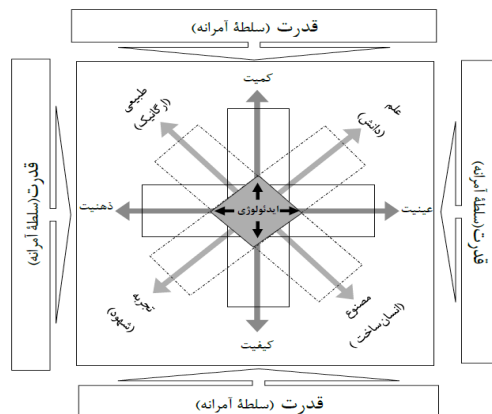
- مکان - زمان هندسی: مکان و زمان‌هایی که از انطباق صوری و هماهنگی کردن فضاهای ساخته شده در محیط مصنوع و هماهنگی ظاهری تجلی می‌یابد. این مکان و زمان تابع نظم ساختاری است.

- مکان - زمان زیسته (ادراک زیست): مکان و زمانی که به واسطه امر ادراکی توسط افراد یا به صورت جمعی و یا به صورت فردی تجربه می‌شود. این امر در قالب ساختارهای مختلف فلسفی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی در جوامع دیده می‌شود. مکان - زمان هنرمندانه (زیباشناختی): مکان و زمان که به واسطه تجربه زیست هنرمندانه توسط افراد به صورت فردی و جمعی شکل می‌گیرد.

مدل اندیشه‌ای پیشنهادی برای ویژگی‌های آرمان شهر معاصر ایرانی (مبتنی بر یک دوره طلایی فلسفی)

این پژوهش بر اساس سه پیش فرض مطالعاتی در آرمان شهر؛ تعارض عینیت و ذهنیت، دیالکتیک سطوح اندیشه‌ای، ساختاری و کنشی و میانجی‌گر زمان و فضا به عنوان ظرف؛ آغاز گردید. با تأکید بر جهان‌شناختی اسلام در ایران دوران صفویه و تجلی آن در حکمت متعالیه، خوانشی از بنیان‌های موثر بر اندیشه‌ورزی پیرامون انسان و محیط آن انجام پذیرفت. بر این اساس چهار امر قدسی، ساختاری، تجربی (زیسته) در امر تولید فضایی - زمانی بروز عینی می‌یابد. در مکتب فلسفی متعالیه آنچه نسبت به قبل بروز می‌یابد، فرآیند تولید فضا یا ساختن جغرافیه‌های انسانی (تولید عاملیت انسانی) و تحقق فضامندی اجتماعی

انتقادی با دو شاخص تجربه - هنر و عقل - علم تکمیل می‌شود^(۱۱). آرمان شهر ایرانی با تأکید بر حکمت متعالیه را میتوان در طیفی از عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی پیرامون دو محور انسان و بوم‌زیست و در دو عرصه هنر و علم با مرکزیت ایدئولوژی و سلطه قدرت خلاصه نمود (نمودار شماره ۱۱).



نمودار شماره ۱۱: دوگانه‌های موثر بر سنت و امر قدسی، ساختاری، تجربی و فضایی - زمانی مبتنی بر حکمت متعالیه

انواع فضا و زمان در مکتب شهرسازی و معماری اصفهان (به تأثیر از حکمت متعالیه)

مبتنی بر یافته‌های پژوهش، می‌توان ۵ نوع مکان - زمان را بازشناسی کرد:

- مکان - زمان جاودان (مقدس): به عنوان تعبیری از مکان و زمان کیهانی که به آگاهی از خلقت می‌انجامد. این مکان و زمان تابع نظم مقدس و سنت برخاسته از ایدئولوژی اسلامی است که به بازتاب مفاهیم امر مقدس در ساخت می‌پردازد. این مکان و زمان بسیار تابع نظم مقدس است. آنچه در ادبیات فلسفی آرمان شهر ایرانی می‌توان تحت عنوان مکان - فضای ازلی - ابدی از آن تعبیر کرد. تعابیر مانند عروج و معراج و تجلی آن در معماری مساجد برای مثال قرارگیری شمس که نماد پیامبر اسلام است در مازه گنبد.

از یکسو و ساختن جغرافیای مکانی (ساختاریابی محیطی و زمینه‌ای) و تحقق فضامندی کالبدی و عملکردی مبتنی بر عقلانیت و معنویت می‌باشد. در این فلسفه حکمی انسان و قداست بخشی به سوژه انسانی و فضا و قداست بخشی به ابژه فضایی مبتنی بر سه ویژگی قدری، خیالی و ازلی - ابدی حالتی آستانه‌ای، خودتنظیمی، سازشی و خیالی (هنری) بروز می‌یابد.

این نوع نگاه به امر فضا و زمان می‌تواند محورهای کلیدی اندیشه‌ورزی پیرامون شهر معاصر ایرانی و ایده‌پردازی پیرامون آن و ارائه راهکارهای مناسب را به شرح ذیل نشان دهد:

- خوانش اشکال گوناگون تعارضات مکانی و زمانی میان فرهنگ‌های مهمان و میزبان در فضاسازی و زمان‌مندی محیط‌های انسان‌ساخت به اقتضای شرایط زمانی و مکانی؛

- خوانش فرهنگ دیالکتیک میان ساختار و نظام‌های شهری مبتنی بر امر زیسته که به‌واسطه گفتمان ایدئولوژیکی کنش‌های شهری را در تولید فضا و زمان شاخص می‌سازد.

- خوانش فرهنگ میانجی‌گر (فرهنگ مرزی/ آستانه‌ای) در تولید فضا و زمان؛
- خوانش الگوهای فرهنگ سنتی در تولید فضا و زمان؛

- خوانش مؤلفه‌های سازنده جنبه‌های نوآوری و خلاقانه (و بعضاً هنری) در تولید فضا و زمان؛

- خوانش ظرفیت و قدر محیطی (ظرفیت‌های زمینه‌ای و محیطی) در تولید فضا و زمان.

راهبردهای اندیشه‌ورزی در تولید مکان - زمان مبتنی بر ویژگی‌های آرمان‌شهر برای شهر معاصر ایرانی

بر اساس ویژگی‌های آرمان‌شهر معاصر ایرانی می‌توان چهار استراتژی و راهبرد

کلیدی که نقش کلیدی در رهایی از تناقض برای شهر معاصر ایرانی داشته باشد را به شرح ذیل برشمرد:

- **راهبرد ایدئولوژیکی** ناشی از امر سنتی در جامعه ایرانی در تولید فضا و زمان‌مندی فضایی: این استراتژی‌ها به‌دنبال تلفیق سنت و ایدئولوژی‌های ریشه‌دار (زمینه‌ها رخداد امر قدسی) با نیازها و واقعیت‌های زندگی معاصر شهر ایرانی است. این راهبرد به مجموعه اقدامات و رویکردهایی اشاره دارد که در آنها اصول، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری برگرفته از سنت‌های فکری، دینی، اجتماعی و فرهنگی ایران به‌طور آگاهانه و نظام‌مند در طراحی، برنامه‌ریزی، مدیریت و استفاده از فضاهای شهری و همچنین تنظیم الگوهای زمانی زندگی در آن فضاها (زمان‌مندی فضایی) به‌کار گرفته می‌شوند.

- **راهبرد اقتضایی** ناشی از خوانش تعارضات موجود در جامعه ایرانی در تولید فضا و زمان‌مندی فضایی: این راهبرد، برخلاف راهبرد ایدئولوژیکی، بر شناسایی و مدیریت تعارضات واقعی و موجود در جامعه ایرانی تمرکز دارد. به این معناست که راه‌حل‌ها و رویکردها ثابت نیستند، بلکه متناسب با نوع، شدت و بستر تعارضات موجود در جامعه شکل می‌گیرند. هدف این راهبرد کاهش تنش‌ها، ایجاد امکان همزیستی است.

- **راهبرد انتفاعی** ناشی از خوانش گفتمان مرزی میان ساختار و نظام‌های شهری در تولید فضا و زمان‌مندی فضا تا با بهره‌گیری از وجه‌های مثبت هر دو به یک سنت فکری جدید منجر شود. این راهبرد به‌دنبال شناسایی و بهره‌برداری از پتانسیل‌های موجود در نقاط تلاقی و مرزهای میان دو گفتمان ظاهراً متضاد است. هدف نهایی، تولید فضاهایی پویا و زمان‌بندی‌های منعطف است.

- **راهبرد انطباقی** ناشی از ظرفیت و قدر زمینه‌ای که در رویکردی سازشی به سوی

فضایی- زمانی بروز عینی می‌یابد. امر قدسی به‌عنوان یک سنت ایدئولوژیکی که هدف آن قداست‌بخشی به عقلانیت، انسانیت و شریعت زندگی روزمره است خاستگاه خویش را در گفتمان اسلام و ایران می‌یابد. از این‌رو امر قدسی ورای ارزش‌های اسلام در ایران ابداع می‌شود که به‌شدت ایرانیزه شده است (اسلام ایرانیزه شده که به‌واسطه فقه و زمینه تجلی می‌یابد).

شاخص‌های مفهومی زمان و مکان برگرفته از فلسفی حکمی متعالیه پیرامون آرمان‌شهر در ایران دارای ویژگی دیالکتیکی با اجتماع و امری جدایی‌ناپذیر از آن است. این ویژگی‌های از طریق منطق، اندازه و خوانایی (وضوح) تجلی عینی می‌یابد و مکان و زمان با بهره‌گیری از رویکرد حکمت‌گرا و معنا‌دار متعالیه، خصلتی استعاره‌ای و تمثیلی دارد. دیگر ویژگی‌های فضا و زمان در این پژوهش از اینها منتج می‌شود.

با توجه به دوران معاصر می‌توان راهبردهای پیشنهادی برای هدایت جریان تفکر آرمانی برای شهر و فضاهای شهری ایران را راهبردهای ایدئولوژیکی، اقتضایی، انتفاعی، تهاجمی و انطباقی دانست. این پژوهش سرآغازی بر کاربست یک نوع نگرش فلسفی به شهر و فضاهای شهری است که بعدها می‌تواند برای دیگر مکاتب فکری برای پیشنهاد شیوه‌های اندیشه‌ورزی و ایده‌پردازی به‌کار گرفته شود.

پی‌نوشت

۱. در نگاه پژوهشگر مفاهیم شهری از دو منبع زمینه (CONTEXT) و تاریخ (HISTORY) که اولی بر ظرفیت وجودی شهرها (پتانسیل‌ها و امکان‌های شهری) و دومی بر روش‌های زیست تمدن بشری است.
۲. این طبقه‌بندی وامدار اندیشه‌های رایج در حوزه شهرسازی و طراحی شهری

همزیستی و هم‌زمانی زمان و فضا با ساختار و نظام‌های شهری و تجربه‌های زیستی پیش است. این راهبرد بر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های پنهان و موجود در زمینه یک شهر تأکید دارد و به دنبال یک رویکرد سازشی برای ایجاد همزیستی و هم‌زمانی بین ابعاد مختلف شهری است. هدف این راهبرد انطباق‌پذیری و هم‌زمانی است.

- راهبرد تهاجمی ناشی از جنبه‌های تمثیلی و خیالی و نوآورانه در فضا‌سازی و زمانمندی فضایی: این راهبرد، رویکردی آینده‌نگر است که بر قدرت تخیل، نوآوری و خلق نمادها و تمثیل‌های جدید برای شکل‌دهی به فضا و زمان‌بندی شهری تمرکز دارد.

نتیجه‌گیری

پاسخ به سؤالات این پژوهش از طریق مروری بر ادبیات نظری و شیوه‌های اندیشه‌ورزی و خوانش مفاهیم کلیدی در نگاه فلسفی انجام پذیرفت. در این راستا دوران خاص از تاریخ کشور ایران (صفویه و حکمت متعالیه و مکتب اصفهان) با تأکید بر امر (واقع) فضا (در معنای عام و مکان در معنای خاص) و زمان در آرای نظریه‌پردازان مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها در پاسخ به سؤال شناسایی بنیان‌های آرمان‌شهر در جهان‌شناختی اسلامی با تأکید بر جوامع میزبان (ایران) حاکی از آن است که بنیان‌های آرمان‌شهر در حکمت فلسفی متعالیه در ایران با محوریت قرار دادن دیالکتیک انسان (فطرت انسان، نقش انسان در هستی، معنا‌داری زندگی انسان و کمال وی به‌عنوان ابژه) و محیط زندگی وی (به‌عنوان سوژه) خاستگاهی ایدئولوژیکی دارد. در ایران به‌عنوان یک جامعه میزبان شهر آرمانی در چهار امر یا واقع در نظریه‌پردازی پیرامون آرمان‌شهر مطرح بوده است: امر قدسی، امر ساختاری، امر تجربی که در شکل

است و نگارنده با توجه به تخصص اصلی خویش و امدار این نوع نگاه است. برای مطالعه بیشتر در این به آرای متیو کرمونا و همکارانش (۱۳۸۸) مراجعه کنید.

۳. در اندیشه نگارنده آرمان‌گرایی و آرمان‌گرایان به‌عنوان یکی از جریان‌های فکری بشری مورد توجه است و نظریه‌پردازی پیرامون این واژه در حوزه محیط شهری با عنوان نظریه آرمان‌شهری مطرح می‌شود.

۴. در اندیشه نگارنده ایدئولوژی به معنای نگاه همه‌جانبه به انسان و تفسیر جهان هستی از منظر موقعیت و مختصات انسانی است. از این‌رو هر مفهوم و پدیده‌ای اعم از انتزاعی و واقعی در رابطه و نسبت با انسان تفسیر، تبیین و بازشناسی می‌شود.

۵. نمونه‌های از آرمان‌شهر ایرانی عبارتند از:

آرمان‌شهر شهریاری: ورجمکرد (به‌عنوان بهشت ایرانی جمشید)، گنگ دژ (سیاوش کاوسان)، کاخ کاووس (کاووس)، کاخ افراسیاب.

نسل دوم: بهشت شداد (ابولفتوح رازی)، شارستان زرین، بستان اولیاء (شرف‌الدین ابراهیم روزبهانی)؛ مدینه فاضله (فارابی)، مدینه عادلانه (ابن سینا)، مدینه فاضله خواجه نصرالدین طوسی و همچنین آرمان‌شهر ابن‌رشد.

۶. نمونه‌ای از مطالعات در این زمینه مطالعات حقیقی بروجنی و همکارانش (۱۳۹۹) است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به این چکیده نگاه کنید.

۷. با استناد به آرای اسلامی، انسان به‌عنوان خلیفه‌الله برای ایجاد نسبت میان وحدت ذاتی حق از یک‌سو و کثرت واقع از سوی دیگر به تجلی،

ظهور، ظل و پرتو می‌پردازد. در این نگاه انسان اسنان به مقارنت علم و اراده خویش به جلوه‌پردازی و تجلی ذات بسیط احدیت می‌پردازد. در این دیدگاه به زبانی ساده اقدام به حد یافتن یک معنا در وجودی معین می‌پردازد و این همان تعریف ایجاد است. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به آثار دکتر حسن بلخاری قهی (دفتر اول و دوم مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی).

۸. نگارنده در آرای خویش و امدار طبع و سرشت پرستاری سنت ایرانی در برخورد با پدیده‌ها است در واژه اهلیت برای پژوهشگر خلاصه می‌شود. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: بهشتی و همکاران (۱۴۰۰). ایران کجاست، ایرانی کیست؟ (دفتر اول: منظر فرهنگی). تهران، نشر روزنه. همچنین در این راستا و امدار اندیشه مکتب اصفهان است. از این‌رو در متمرکز کردن بنیان‌ها بر مبانی مکتب اصفهان اعم از وحدت وجود، اصالت وجود، حرکت جوهری، عالم مثال و نظایر آن بهره گرفته است.

۹. بنیان‌های هندسی مورد نظر جهان‌شناختی اسلام و امدار دو نگرش؛ یکی عرفان و نگرش عرفانی و اشراقی یونانیان (به‌ویژه فیثاغورثیان و پس از آن افلاطون) و دیگری نگرش عقلانی و مکاشفه‌ای است. آنچه در حکمت متعالیه ملاصدرا به اوج تبیین خود می‌رسد.

۱۰. اضافه شدن دو شاخص به آرمان‌شهر با محوریت تجربه و خرد به این معنا نمی‌باشد که در آرمان‌شهرهای غربی این دو شاخص وجود ندارد؛ بلکه از آنجایی که تأکید بر آرمان‌شهر ایرانی

منابع

در دوره‌ای خاص (آرمان‌شهر حکمت متعالیه و مکتب اصفهان) است این دو به نمودار اصیل آرمان‌شهر اضافه شده است.

اردلان، نادر و ژاله بختیار (۱۳۹۱) حس وحدت: نقش سنت در معماری ایرانی، ترجمه جلیلی، تهران، موسسه علم معمار رویال.

اصیل، حجت‌الله (۱۳۹۳) آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی، تهران، نشرنی.

آکوچکیان، احمد (۱۳۸۸) از آرمان‌شهر تا شهر توسعه (جزوه چاپ نشده)، اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان، معاونت پژوهشی.

اهری، زهرا (۱۳۸۵) مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده شهری، تهران، فرهنگستان هنر.

اولثاریوس، آدام (۱۳۷۹) سفرنامه آدام اولثاریوس (اصفهان خونین شیخ صفی)، ترجمه حسین کردبچه، تهران، هیرمند.

اولثاریوس، آدام (۱۳۸۵) سفرنامه آدام الئاریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی، ترجمه به‌پور، تهران، ابتکار نو.

بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۸) مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری سوره مهر.

بنانی، امین و دران، دارلی، دوپروین و سیوری (۱۳۹۰) راجر مروین صفویان، ترجمه آژند، تهران، مولی.

بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۸) هنر مقدس: اصول و روش‌ها، ترجمه ستاری، تهران، سروش.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۶) آرمان‌شهر: فضا، هویت و قدرت در اندیشه اجتماعی معاصر، ترجمه خاکباز، تهران، نشرنی.

تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۳) سفرنامه تاورنیه ترجمه ارباب شیرانی، تهران، نیلوفر.

توسلی، محمود (۱۳۶۹) شهر در سرزمین‌های دوره اسلامی، هفتاد مقاله، ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، به کوشش یحیی مهدوی و ایرج افشار، تهران، اساطیر.

جمشیدی، مزده (۱۴۰۰) واکاوی فضای عمومی شهری از منظر خوانش ضرب‌آهنگ کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی (موردپژوهی: پل خواجهی اصفهان)، رساله منتشر نشده دکتری، دانشگاه هنر ایران، پردیس بین‌المللی فارابی، گروه شهرسازی.

جهانبگلو، رامین و سیدحسین نصر (۱۳۸۵) در جست‌وجوی امر قدسی: گفت‌وگوی رامین جهانبگلو با سیدحسین نصر ترجمه شهرآیینی، تهران، نشرنی.

حیبی، سید محسن (۱۳۸۶) از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، تهران، دانشگاه تهران.

حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۶۳) اتحاد عاقل و معقول، نرم‌افزار مجموعه آثار علامه حسن‌زاده آملی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

حسینی، سیدمجتبی و محمود رضایی و علیرضا بندرآباد (۱۴۰۳) الگوی

مفهومی تأویل هستی‌شناسانه مراکز
نمادین تاریخی شهر اسلامی - ایرانی،
مطالعات شهر ایرانی - اسلامی،
۱۵(۵۵)، صص ۸۳-۹۹.

حقیقی بروجنی، سمر و سیدعباس
آقایزادانفر و مصطفی بهزادفر (۱۳۹۹)
خوانش فضا بر مبنای نظریات فضا-
قدرت فوکو؛ مطالعه موردی: میدان
نقش جهان در عصر صفوی، مطالعات
شهر ایرانی - اسلامی، ۱۱(۳۹)، صص
۴۳-۵۴.

[https://doi.org/20.1001.1.2228639.
1399.10.39.4.6](https://doi.org/20.1001.1.2228639.1399.10.39.4.6)

خادمی‌پور، علی و ایرج جلالی و علی
رحیمی‌صادق (۱۴۰۱) بررسی تاریخی
جایگاه و ساختار دیوان‌سالاری ایران
بعد از اسلام تا پایان دوره صفویه.
مطالعات ایرانی، بهار و تابستان، (۴۱)،
صص ۱۰۲-۱۳۲.

دامادحسینی، محمد (۱۳۶۷) القبسات، ترجمه
محقق و دیگران، تهران، دانشگاه تهران.

روویون، فردریک (۱۳۸۵) آرمان‌شهر در
تاریخ اندیشه غرب، ترجمه باقری،
تهران، نشرنی.

ژوناس، اولویه (۱۳۹۴) رویای شهر:
(سفر به دنیای شهرهای رویایی: شهر
اوهام و...)، ترجمه قلعه‌نویی، تهران،
دانشگاه تهران.

سلطان‌زاده، حسین (۱۴۰۰) معماری ایران
در دوره اسلامی، رشت، طاعتی.

سیوری، راجر (۱۳۷۲) ایران عصر صفوی،
ترجمه عزیزی، تهران، مرکز.

شایگان، داریوش (۱۳۸۰) افسون‌زدگی

جدید: هویت چهل‌تیکه و تفکر سیار،
ترجمه ولیانی، تهران، فرزانه روز.

شیخ‌الاسلامی، علی (۱۳۸۳) خیال و مثال
و جمال در عرفان اسلامی، تهران،
فرهنگستان هنر.

صبری، حسین، و غلامرضا اعوانی (۱۳۹۸)
مبانی سنتی هنرهای اسلامی، جاویدان
خرد، ۱۶(۳۵)، صص ۱۲۱-۱۳۸.

SID. <https://sid.ir/paper/368072/fa>

علیزاده‌مقدم، بدرالسادات (۱۳۹۸) حیات
اجتماعی دوره صفویه از منظر تذکره
نصرآبادی، تاریخ و فرهنگ، (۱۰۳)،
صص ۱۳۵-۱۵۱.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی
شهری، تهران، نشرنی.

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۳) ریشه‌ها و
گرایش‌های نظری در معماری، تهران،
فضا (وابسته به مؤسسه علمی و
فرهنگی فضا).

فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۱) ریشه‌ها و
گرایش‌های نظری معماری، تهران، فضا.

کرمونا، متیو و همکاران (۱۳۸۸) مکان‌های
عمومی فضاهای شهری ابعاد گوناگون
طراحی شهری، ترجمه فریبا قرائی و
همکاران، تهران، دانشگاه هنر.

کهون، لارنس ای (۱۴۰۳) از مدرنیسم تا
پست‌مدرنیسم، مترجم عبدالکریم
رشیدیان موحد، چاپ ۱۹، تهران،
نشرنی.

محمدی، حمید (۱۳۹۷) اندیشه‌های
شهرسازی در آثار متفکران ایرانی و
مسلمانان (از آرمان تا واقعیت)، یزد،
یزد.

سنت‌گرایی، جاویدان خرد، صص
۲۰۷-۲۳۲.

Gordin, M., Tilley, H. & Prakash, G. (2011) Introduction. *Utopia and Dystopia beyond Space and Time*. In M. Gordin, H. Tilley & G. Prakash (Ed.), *Utopia/Dystopia: Conditions of Historical Possibility* (pp. 1- 18). Princeton: Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9781400834952.1>

Li, W. (2021) Time- Space Utopian Model as a Critical Method of Sociology: A Book Review of Utopia Method Vision. *Open Journal of Social Sciences*, 9, 65- 73. doi: 10.4236/jss.2021.912005.

Scholar, R. (2023) Utopias and temporo- spatial invention: reading More with Marin. *Early Modern French Studies*, 45(1), 22-29. <https://doi.org/10.1080/20563035.2023.2200410>

Hayes, K. E. (2025) Imagined utopias: Brasília and the Valley of the Dawn. *Religion*, 55(2), 448-464. <https://doi.org/10.1080/0048721X.2024.2444127>

Levitas, R. (2013) *Utopia as method: The imaginary reconstitution of society*. Palgrave Macmillan.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰) مجموعه آثار، تهران، صدرا.

معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴) سیری در مبانی نظری معماری، تهران، سروش دانش با همکاری معمار.

معین، محمد (۱۳۶۳) فرهنگ معین، تهران، زرین.

نصر، سیدحسین و الیور لیمن (۱۳۹۳) تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، کیمیای حضور.

نقره‌کار، عبدالحمید (۱۴۰۰) حکمت اسلامی در خلق آثار هنری معماری و شهرسازی (چاپ دوم)، تهران، سروش.

نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۴) برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری، تهران، فکر نو.

نقره‌کار، عبدالحمید و مهدی حمزه‌نژاد و علی‌محمد رنجبرکرمانی (۱۳۹۷) تبیین معماری و شهرسازی مبتنی بر هویت اسلامی- ایرانی، قزوین، جهاددانشگاهی.

نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵) معماری و شهرسازی اسلامی، تهران، راهیان.

هانری، کربن (۱۳۸۸) تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه طباطبایی، تهران، کویر.

هیلند براند، رابرت (۱۳۸۳) معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران، روزنه.

وحید دستجردی، امیرحسین و سعید بینای‌مطلق و یوسف شاقول (۱۳۹۸) بهار و تابستان، ۳۵، سمبولیسم از منظر

